

دروغگوئی، جعلکاری، لمپنی و فحاشی زاده ایدئولوژی بورژوازی، رویونیستی و اپورتونیستی است

جای تعجب نیست که علی امیری یک تن از "نویسندگان و تحلیل گران!" وب سایت بی بی سی (تریون رسمی امپریالیزم انگلیس) چندی قبل به لجن پراگنی، دروغگوئی و بهتان بر ضد سازمان جوانان مترقی و جریان دموکراتیک نوین (شعله جاوید) پرداخته و به زعم بیمارگونه ش از عملکرد موجودیت آن انکار نموده است. نویسندگان بورژوازی در طول تاریخ موجودیت شان همیشه نیروهای (م-ل-م) رادست کم گرفته و بر ضد آنها از انواع و اقسام دروغ، جعل، بهتان، فحاشی، تحقیر و توهین کار گرفته اند. دروغ های شاخداری که امپریالیست هادرمورد رفیق استالین پخش نموده اند و آنرا به دیکتاتوری متهم کرده اند همه به آن آشنائی دارند. واقعیت اینست که امپریالیست ها بخاطر غارت و دارائی های کشورهای دیگر دست به هزاران نوع جنایت و آدمکشی زده، به حاکمیت ملی آنها تعرض نموده و دولت های دست نشانده خویش را در آن کشورها مستقر مینمایند. تجاوز به عراق، افغانستان و لیبی در سالهای اخیر مشتم نمونه خروار از جنایت و آدمکشی امپریالیست ها و در رأس آنها امپریالیزم جنایت کار امریکا است. اما نویسندگان اجیر و وجدان باخته مانند علی امیری به جای آنکه جنایت و اشغال افغانستان را به دست امپریالیست ها محکوم نمایند کثیف شان را بر ضد شعله ایها که با اتکا به نیروی خود بر ضد امپریالیزم، سوسیال امپریالیزم و دولت های دست نشانده آنها مبارزه نموده و مینمایند، باز نموده و لجن پراگنی مینمایند. در این لجن پراگنی ها بر ضد شعله ای ها نه تنها امپریالیست ها و اجیران فرومایه شان بلکه تمام تسلیم طلبان، رویونیستها و اپورتونیست های رنگارنگ اشتراک دارند. مخرج مشترک تمام این هادروغگوئی، جعل کاری، لمپنی و فحاشی است. حال چه فرق میکند که این ها از سایت امپریالیستی بی بی سی لجن پراگنی نمایند یا از سایت استخباراتی "افغانستان آزاد- آزاد افغانستان". یک بار دیگر توجه خوانندگان عزیز را به دروغگوئی سایت بورژوازی بی بی سی و سایت استخباراتی "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" و نویسندگان اجیر آنها جلب می نمائیم.

علی امیری جارچی و "تحلیل گر!" سایت امپریالیستی بی بی سی تحت عنوان: شعله جاوید خاکستری... مینویسد: "نام اصلی شعله جاوید سازمان جوانان مترقی بود". میرویس نادان محمودی جارچی سایت استخباراتی و رویونیستی "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" نام سازمان جوانان مترقی را "سازمان جوانان انقلابی" مینویسد. و هر دوی آنها دروغ میگویند. زیرا امپریالیزم و رویونیزم پشت و روی یک سکه بوده و هر دو دشمنان قسم خورده جنبش مائوئیستی افغانستان میباشند. بیائید به دروغگوئی دونویسنده فحاش و بی

تربیه دیگر سایت استخباراتی افغانستان آزاد - آزاد افغانستان "آزادل" استاد دانشمند" میرویس نادان محمودی و شاهدروشنگر شاگرد دروغین آزاد توجه کنیم که چه دروغ های شاخرداری راسر هم بند میکنند. طنز قضیه در این است که نوکران امپریالیست ها و رویزیونیست ها در افغانستان به نام های مغز متفکر، دانشمند، استاد و چه و چه معرفی میشوند. اشرف غنی احمد زی منتقد خود را بچه خر خطاب میکند و میروس نادان محمودی مرده گاو و آزادل و

شاهدروشنگر بی ناموس و هیچ فرقی در فحاشی بین آنها موجود نیست. زیرا ایدئولوژی بورژوازی و رویزیونیستی دروغ گوئی، جعل کاری، لمپنی و فحاشی است. مادر نوشته های گذشته در مورد دروغ گوئی نویسندگان لمپن و فحاش فحش خانه استخباراتی افغانستان از اد-آزاد افغانستان موسوی، خالقداد پغمانی، س-رها، میرویس نادان محمودی، کبیرتوخی دیگر همپالگان شان به تفصیل صحبت کرده ایم. در این نبشته توجه شمارا به دروغ گوئی دوفرد از نویسندگان دیگر سایت استخباراتی "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" استاد و شاگرد دروغین آزادل و شاهدروشنگر معطوف میداریم تا ببینید که این ها چقدر احمق، بی تربیه و لچک هستند.

شاهد روشنگر در نوشته "شرم خوب است یانه" به تاریخ ۲۴ اگست ۲۰۱۳ در سایت استخباراتی "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" بعد از دو دشنام به رفیق "پولاد" در قسمتی از نوشته اش درباره شناخت آزادل می نویسد: "آزادل (این محترم را از چهل سال به این طرف معرفت دارم و افتخار شاگردی ایشان را هم دارم... کاش به پیشنهاد محترم آزادل پیشنهاد مثبت میدادی و به کابل می آمدی تا در رودر و صحبت میداشتیم. نظر به گفته و هدایت آزادل من میزبان شما می بودم...، ما قبلاً تعهد به محترم (آزادل) سپرده بودیم که تو و امثال هیچ نوع تحقیر، توهین و تجاوز صورت نگیرد. آزادل در نوشته "اظهار امتنان و مخالفت" به تاریخ ۲۵ اگست ۲۰۱۳ در همان سایت به جواب شاهدروشنگر مینویسد: "نوشته هموطن گرانمایه را (منظورش شاهد روشنگر است) خواندم. همین نوشته محترم آقای شاهد روشنگر باعث شد تا در ارتباط به طرز تفکر و نوشته شان چند جمله بنویسم باید عرض بدارم که از لطف و مرحمت جناب شما در مورد خودم ممنون بوده و میخواهم روشن سازم که قسمتی از نوشته شان که در مورد من است فقط از حسن نظر آن هموطن سرچشمه گرفته و بی اندازه محبت آمیز میباشد. من با خواندن چندین بار نوشته شان می نگارم: "در مجموع به سبک و نوشته شان مخالف میباشم. من شخصاً هنوز در مرحله ابتدائی فهم و آموختن قرار دارم و سعی داشته ام در هر شرایطی که فرصت میسر گردد مطالعه نمایم چه رسد به اینکه شاگرد داشته باشم؟ (تأکید روی کلمات از ماست) امید وارم دوست عزیز در نوشته های بعدی شان از نوشتن چنین جملات در مورد من دقت بیشتری نموده زیاده روی ننماید. هموطن عزیز آقای روشنگر هر چه می نویسد تراوش اندیشه خود شان بوده و مثل هزاران هموطن حق دارندهر چه دل شان خواست بنویسند. فقط امید وارم درباره شخص من غلو نکرده و بیش از اندازه

استحقاقم در باره من چیزی ننویسد".

در این نوشته شاهد روشنگر از دوستی و شاگردی خود به آزادل می لافد و جناب آزادل برخلاف آن مینویسد که "در مجموع به سبک و نوشته شان (منظورش شاهد روشنگر است) مخالف میباشم" هنوز خودم چیزی نمیدانم "چه رسد به اینکه شاگرد داشته باشم" در این نوشته آزادل ادعای شاهد روشنگر مبنی بر شاگرد بودنش را رد میکند. خوانندگان عزیز! طوریکه از نوشته های متضاد آنها معلوم میشود، یکی از این دو نفر حتمی دروغ میگوید و یا هر دوی شان دروغ میگویند. تا جایی که من نوشته های آنها را مطالعه نموده ام، هر دوی این هافحاش، بددهن، بدزبان و دروغگو هستند و از تربیه سالم انسانی و اخلاق اجتماعی دور هستند و هیچ شکی در دروغگوئی و جعل کاری آنها وجود ندارد و هر دوی اینها مانند چهار تک های سرچوک چهره های تقلبی و ساختگی داشته و جنگ زرگری میکنند و باور کردن به سخنان ایشان مشکل است. بعضی اوقات فکر میکنم اگر اینها در دامان مادر بزرگ می شدند اینقدر بی تربیه و لچک نمی بودند. در اینجا به طور نمونه قسمت های از نوشته های بی تربیه گی و لچکانه ای آزادل و شاهد روشنگر را نقل می کنم تا ببینید که اینها چقدر بدزبان فحاش، بی تربیه و لچک هستند. آزادل این مکار هزار چهره که بگفته مردم پیر شد و میری. تا هنوز آدم گری را نیاموخته است و در این سن شصت سالگی هنوز هم فحاشی میکند و از دهنش گندباد میشود. به این نبشته آزادل توجه کنید تا به شخصیت کاذب این مکار حيله گر آشنائی حاصل نمائید. آزادل مینویسد: "این بی ناموسان قدیم و بیدار شدگان فعلی مثل سگ به هر طرف دهان باز نموده فریادی دارند" فکر کنم برای آزادل این ریش سفید فحاش همین جواب کافی است که کسی که خودش بی ناموس نباشد به کسی بی ناموس خطاب نمیکند. به بی تربیه گی شاهد روشنگر توجه کنید که چه مینویسد: "تو احمق بی ناموس و بی وجدان را در هیچ جای ندیده و اسمت را نشنیده ام."

به این احمق بی تربیه هم باید بگویم که کسی که بی ناموس نباشد به کس دیگر بی ناموس نمی گوید. این است عمق جهالت، نادانی، و بی تربیه گی آزادل فحاش استاد دروغین و شاهد روشنگر فحاش شاگرد دروغین. حال ببینید که اینها کجا؟، مبارزه کجا؟ و اندیشه مائوتسه دون کجا؟ گرچه جفنگ نامه های همچو عناصر که ننگ جنبش انقلابی هستند نه از اخلاق و تربیه فامیلی و اجتماعی برخوردار هستند و نه از دانش و اخلاق انقلابی ارزش نقد کردن را ندارد و آنها خودشان باهر نبشته ای که بیرون میدهند نادانی و فرومایگی خود را ثابت میسازند اما گاهی لازم است که به پارس دهن کشادهای بی تربیه و لچک هم جواب گفت و برای شان استخوان پرتاب نمود.

یکی از هواداران جنبش دموکراتیک نوین (شعله جاوید)

سه شنبه ۱۶ ثور ۱۳۹۳

